

توسعه زیارت مسجد به زیارت هرگونه مشهد، ظاهراً حلقه‌های واسطه‌ای نیز دارد. از جمله، ابن عساکر دربارهٔ مسجدی در کوه قاسیون گزارش می‌دهد که قبر موسی (ع) در آن واقع شده است و مردم به زیارتش می‌روند.

گرچه شهید اول هرگز بر این باب دوم نامی ننهاد، می‌توان گفت موضوع باب دوم وی «مشاهد» است؛ در برابر باب اول، که اخص «مزارات» را شامل می‌شود. پیش از این قبور ائمه (ع) مکان اجتماع شیعیان بود و وی اکنون با نگارش این باب، مکان‌هایی را که شیعیان می‌توانند برای شعائر دینی خویش در آن اجتماع کنند، گسترش می‌دهد؛ مکان‌هایی که از این حیث مهم‌اند که به یادآورندهٔ بزرگان و شعائر دین‌اند، حتی اگر انتسابشان قطعی نباشد. البته ساختار کلی این باب تا حد زیادی متأثر از فضل الکوفاة محمد ابن مشهدی است.

مؤلفه‌های معنایی زیارت

۱- از جای جنبیدن و رفتن به موضعی خاص

نخستین مؤلفه معنایی زیارت، از جای جنبیدن و رفتن به موضعی خاص است. به کسی که در خانهٔ خود با فردی ملاقات کند، زائر نمی‌گویند. زیارت، اغلب ملاقاتی است همراه با جابه‌جایی. برای نمونه، در یک روایت سخن از آن رفته است که پیامبر (ص) برای ملاقات یکی از اصحاب نزد وی رفت و به گرمی پذیرایی شد. از این ملاقات با تعبیر «زیارت پیامبر (ص) از آن صحابی» یاد شده است.^۵ فراتر از این، از روایات مختلف می‌توان چنین دریافت که زیارت فرد، گاه مستلزم طی طریق بسیار نیز بوده است و افراد برای زیارت دیگران مجبور به پیمودن بادیه و راه دشوار صحرا نیز می‌شده‌اند.

۲- رفع نیاز معنوی و نه نیازهای روزمره زندگی

مؤلفه معنایی دیگر زیارت، آن است که در این سفر، حاجات زندگی روزمره را دنبال نکنند و در پی رفع نیازی معنوی باشند. این مؤلفه دوم نیز در روایات متعددی بازتاب یافته است. برای نمونه، مشلمة بن مخلد که خود از صحابه صغار پیامبر (ص) است، میان زیارت فرد و طلب حاجت از وی تمایز نهاده و در عبارتی بر این معنا تأکید کرده که حضورش نزد فلان فرد، نه به قصد زیارت، که در پی حاجتی است.^۶ حتی یک جافردی که برای پرسش دربارهٔ حدیثی نبوی نزد دوستش رفته، تصریح کرده است که من برای زیارت نیامده‌ام و در پی نگرانی‌های فکری خویشم.^۷ به همین ترتیب، زیارت کردن، غیر از مسافرت‌ها و دیدارهای تجاری و کاری است. گاه گفته می‌شود «فلانی به این دیدار، نه برای زیارت آمده است و نه تجارت»^۸ که نشان می‌دهد سفر تجاری را با سفر زیارتی فرق می‌نهادند.

جای دیگر در گفتاری از امام صادق (ع) نیز بدین معنا تصریح شده است که زیارت، ملاقاتی است به قصدی غیر از رفع حاجات روزمره زندگی.^۹ گذشته از این، در روایات متعددی از اهل بیت (ع) نیز آموزش داده می‌شود که زیارت برادر دینی، با مقاصد الهی ارزشمند است. «من زار اخاه لله لا لغیره...»^{۱۰} شاید از همین رو مقاتل بن سلیمان (وفات ۱۵۰ق)، ملاقات فارغ دلانهٔ دوستان در بهشت را که در قرآن یاد شده،^{۱۱} مترادف با زیارت دانسته است.

۳- نبود دعوت پیشین برای ملاقات

مؤلفه معنایی دیگر زیارت، نبود دعوتی پیشین برای این ملاقات است؛ چه، اگر دعوتی پیش از این صورت گرفته باشد، ملاقات از جنس زیارت نیست و ضیافت خواهد بود. زیارت، به دیداری گفته شده است که ناغافل و بی‌خبر و سرزده صورت گیرد. به عنوان نمونه گفتار یکی از شیعیان است که هر سال به زیارت نایب امام

زمان (ع) می‌رفت. او یک سال به پیشکار نایب گفت: «کسی را از حضور من آگاه نکن تا زیارتم خالص باشد و تنها به قصد زیارت، و نه مثلاً برای مهمانی، نزد نایب امام حاضر شوم»^{۱۲} شاید از همین رو به بازبیدایی که گاه و بیگاه پیامبر (ص) از قبایل مختلف داشت و در آن‌ها همچون یک فرمانروا نکته‌هایی را یادآور می‌شد یا حتی به ملاقات‌های سرزده‌ای که پیامبر (ص) از منازل اصحاب خویش در خارج از مدینه می‌کرد^{۱۳} زیارت اطلاق شده است.

۴- رویداد ملاقات با دوست و آشنا

مؤلفه معنایی دیگر زیارت، رویداد ملاقات با دوست و آشناست. به سفرهایی که در آن‌ها ملاقاتی روی ندهد، یا به رویارویی با دشمنان که ملاقاتی خالی از حظ معنوی و از ناچاری، و نه به قصد استیناس و الفت است، زیارت نمی‌گویند. برخی فقیهان عامه نیز، از همین رو با تکیه بر تمایز میان زیارت افراد و مراجعه کاری به آن‌ها، مبادله سلام قاضی و خصمین را از دایره سنت خارج دانسته‌اند؛ چه از دید ایشان سنت نبوی مبادله سلام با زائر است.^{۱۴}

۵- عدم سکونت بلندمدت

زیارت کوچ نیست بلکه رفتن از یک مکان، بدون قصد جاگرفتن در منطقه‌ای دیگر است؛ سفری است که بعد از مدت کوتاهی باید پایان پذیرد. زائر، وقتی به دیدار آمد، بعد از مدتی بازمی‌گردد. اگر فردی به زیارت بیاورد و بازنگردد، زائر محسوب نمی‌شود. شاید این که پیش از اسلام به زیارت خانهٔ خدا در ماه رجب، «عمره» اطلاق می‌شد^{۱۵} از همان روست که زیارتی کوتاه با برگشتی سریع بوده است.

۶- اعتقاد به جایگاه برتر و قدسی مزور

اعتقاد به جایگاه برتر و قدسی مزور، قصد عبادی داشتن از دیدار و تلاش برای کسب آثار وجودی از زیارت مزور، یکی از مؤلفه‌های معنایی زیارت است؛ بدین معنا که زائر به منظور رفع حاجات معنوی خود به بزرگی روی می‌آورد که در درجات بالای کمال قرار دارد.

کارکردهای زیارت

زیارت نیز مثل هر پدیده اجتماعی دیگر، کارکردهای آشکار و نهان دارد. شناخت این کارکردها البته مطالعاتی گسترده را طلب می‌کند. باری، در این مقام کوشش خواهد شد از باب نمونه، برآوردی از چند کارکرد آشکار این پدیده به دست داده شود.

الف) کارکردهای سیاسی

در سخن از کارکردهای آشکار زیارت، همچون یک رفتار اجتماعی، نخست باید کوشید انگیزه‌های مروجان آن را بازشناخت. بی‌تردید شیعیان، با نقشی بنیادین، مهم‌ترین مروجان این فرهنگ در جهان اسلام بوده‌اند. برای شیعیان، زیارت بیش از هر چیز کارکردی سیاسی داشته است. در دعایی از امام صادق (ع)، زیارت قبر امام حسین (ع) همچون گونه‌ای یاری اهل بیت (ع) و ضربه‌زدن به دشمنان ایشان بازنموده می‌شود.^{۱۶} بی‌تردید حضور و اجتماع عمومی در کنار قبر امام حسین (ع)، بازتابی سیاسی نیز در حمایت از جریان فکری اهل بیت (ع) داشته و به سبب همین پیام روشنش توصیه شده است.

مقابر ائمه افزون بر آن که مکانی برای اجتماع سیاسی شیعیان

به کسی که در خانه خود با فردی ملاقات کند، زائر نمی‌گویند. از روایات مختلف می‌توان چنین دریافت که زیارت فرد، گاه مستلزم طی طریق بسیار نیز بوده است و افراد برای زیارت دیگران مجبور به پیمودن بادیه و راه دشوار صحرا نیز می‌شده‌اند.